

گفتگو با سیده فاطمه مقیمی، عضو هیات رئیسه اتاق تهران:

تعالی بخشیدن به بخش خصوصی؛ از وظائف اتاق تهران

الهام زرقانی



ناچار صعب العبور هستند، جایگزین کردن جاده برای مسیرهای حرکتی در آن قسمت ها به تناسب سخت تر از ایجاد مسیرهای ریلی برای ریل گذاری می باشد، طبیعتاً یکی از عوامل مهم برای ما کیفیت کار هم هست، اگر بخواهیم مقایسه کنیم کیفیت کار در حمل و نقل ریلی بیش از حمل و نقل جاده ای است، اگر بخواهیم نگاهی به تاریخ حمل و نقل ریلی در دنیا و نگاهی به شوروی سابق، قبل از فروپاشی داشته باشیم می بینیم که خطوط ریلی در تمام جابجایی ها از جمله جابجایی سربازان و آذوقه و جابجایی مسافر بسیار اثر گذار بوده است زیرا در برخی از مسیرها که اتفاقاً صعب العبور هستند برای ساخت جاده یخبندان در فصل سرما مناسب نیستند و یا مشکلات امنیتی وجود دارد از ریل استفاده می شود. جایگاهی که حمل و نقل ریلی از نظر امنیت دارد از جمله موارد بسیار قابل توجه است.

دولت ها مورد توجه قرار گرفته و افزایش سهم بخش ریلی در ترانزیت کالا و اتصال تمامی نقاط کشور به شبکه ریلی از برنامه های دولت است. تبدیل شدن به یکی از کشورهای ترانزیتی در منطقه با گسترش مسیرهای ترانزیتی با قطار در کریدورهای بزرگ در شمال، جنوب، غرب و شرق کشور نیز از اهدافی است که در دستور کار وزارت راه و شهرسازی قرار گرفته است، با توجه به تمامی این موارد ذکر شده همچنان این صنعت در راه رسیدن به توسعه با چالش های بسیاری همراه است که تشکل ها از جمله اتاق، نقش بسزا و کارآمدی در حل مشکلات این صنعت می تواند ایفا کند تا این صنعت را روی ریل توسعه قرار دهد، در همین خصوص گفتگویی با سیده فاطمه مقیمی "عضو هیات رئیسه اتاق تهران" داشتیم که به شرح آن می پردازیم:

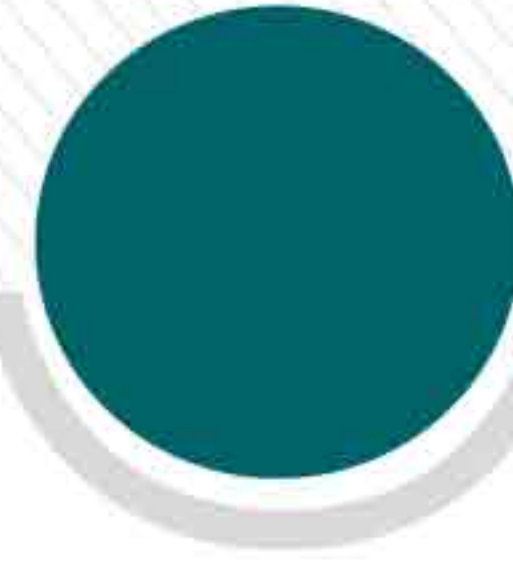
اتاق بازرگانی نهادی پرسابقه و ریشه دار است که از آن به عنوان پارلمان بخش خصوصی یاد می شود؛ نهادی که در سایر کشورهای دنیا نیز تاثیرگذاری بسیاری بر شاخص های مهم اقتصادی یک کشور دارد. در یک کلام هدف اصلی یک اتاق ایده آل، ریل گذاری جامعه جهت رسیدن به توسعه و تلاش در راستای از میان برداشتن عوامل موثر در توسعه نیافتگی چون جهل، فقر، بیکاری و غیره است و لازم است همه توان و سرمایه خویش را بر این مسیر بکار بندد، بنابراین زیربنای توسعه اقتصادی متکی بر منابع و دانش داخلی و بهره گیری از فرصت های اقتصاد جهانی است. چند سالی است که دولت و مسئولان بخش ریلی تصمیم گرفته اند قطار را به عنوان وسیله ایمن و کم هزینه تر، جایگزین حجم انبوه سفرهای جاده ای به ویژه در بخش بین شهری کنند. توسعه حمل و نقل ریلی در

ما حل شود و رسیدن به مقصد را با امنیت بیشتری طی کند. نرخ یکی از موارد است همانگونه که سرعت یکی از موارد تاثیر گذار اصلی در قیمت تمام شده کالا است، بحث مربوط به نرخ هم نقش بسیاری دارد. هنگامیکه برخی از مسیرها به

با هزینه بسیار پایین می تواند جابجایی کالا و مسافر را داشته باشد شاید سرعت در حمل و نقل ریلی پایین باشد و به سرعت حمل و نقل جاده ای و هوایی نخواهد رسید اما امنیت در مسیر ریلی موجب می شود تا بسیار از مسائل

حمل و نقل ریلی در خصوص توسعه تجارت چه ظرفیت هایی دارد؟

در دنیا اگر به حمل و نقل ریلی نگاه کنیم به عنوان یکی از امن ترین روش های جابجایی کالا و مسافر و کم هزینه ترین است. یعنی به عبارتی



آیا اتاق تهران در خصوص تسهیل در تجارت خارجی و ایجاد اتاق مشترک در خصوص سرمایه گذاری بخش حمل و نقل ریلی کوشا بوده است؟ در این خصوص چه اقداماتی را انجام داده و چه کاستی‌هایی وجود دارد؟

اتاق، خود مادر شکل است و خودش به عنوان یک شکل بخش خصوصی معرفی شده است، اتاق تهران خانه همه شکل‌ها است از جمله شکل‌های ریلی، جاده ای، دریایی، هوایی، فدراسیون‌ها، کنفدراسیون‌ها که زیر پوشش آن قرار دارند و در حد کمیسیون‌های تخصصی و کمیته‌های تخصصی کارش را انجام می‌دهد. ما نشست‌های تخصصی به صورت ماهیانه برگزار می‌کنیم که در این نشست‌ها نمایندگان شکل‌های حمل و نقلی در کمیته حمل و نقل حضور دارند و من مسئول کمیته حمل و نقل در اتاق تهران هستم و بسیاری از موارد یا مشکلاتی که تجار در ارتباط با این موارد داشته باشند و یا شرکت‌های حمل و نقل در ارتباط با مجموعه‌های کاری خودشان مشکلاتی را با سازمان بنادر، سازمان پایانه‌های کشور، سازمان هواپیمایی کشوری و راه آهن جمهوری اسلامی داشته باشند طرح مطلب می‌کنند و ما با نشست‌هایی که برگزار می‌کنیم سعی می‌کنیم به نتایج مطلوب و راهکارهایی در خصوص حل مسئله برسیم.

در کشورهای دیگر شکل‌ها در جایگاه بهتری قرار دارند و به آن بهای بسیار داده می‌شود اما در کشور ما دولت به این بخش بها نمی‌دهد و اهمیتی قائل نیست، آیا از دلایل آن نیاز نداشتن دولت به بخش خصوصی نیست؟ و اینکه نیازها از طریق فروش نفت تامین می‌شود؟

متأسفانه به این موضوع توجهی نمی‌شود و نقش بخش خصوصی روزبه روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

تشکل‌ها نگاه‌های تخصصی دارند و می‌توانند نظرات کارشناسی و دقیقی در مورد مسائل بدهند. وقتی می‌گوییم تشکل‌ها مشاور قوا هستند یعنی باید در تمام مسائل اقتصادی به خصوص در شرایط حساس کنونی مورد مشورت دولت و نهادهای تصمیم‌گیرنده قرار گیرند، چرا که تجربه و توانمندی کافی دارند و می‌توانند حلال مشکلات بسیاری بوده و راهکارهای موثری ارائه دهند. با توجه به اینکه فعالان اقتصادی در تشکل‌ها متناسب با تخصص خود حضور پیدا می‌کنند و با مشکلات و جزئیات آن سروکار دارند، بنابراین بهتر می‌توانند در مورد آنها اظهار نظر کنند و به‌طور حتم نظرات آنها می‌تواند در اتخاذ تصمیمات منطقی‌تر کمک کار باشد. ملت ایران چه در داخل کشور و چه در خارج، بزرگ‌ترین تشکل و سرمایه اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند و در صورتی که با یکدیگر به همفکری بپردازیم و دوشادوش یکدیگر حرکت کنیم، می‌توانیم بر مشکلات فائق آمده و مسیر توسعه را هموار کنیم. اقتصاد ایران با وجود تمام پتانسیل‌های بالفعل و بالقوه، همچنان با مسائل و مشکلات اقتصادی بسیاری درگیر است. بخشی از این مشکلات به شاخص‌های کلان اقتصادی کشور از جمله سطح پایین سرمایه‌گذاری و تولید و بخشی هم به متناسب نبودن ساختارها و شرایط زیرساختی بازمی‌گردد. در رابطه با مشارکت پایین تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، باید بگوییم واقعیت این است که هیچ‌وقت نتوانسته‌ایم و شاید دقیق‌تر این باشد که نخواستیم به مفهوم کلی مشارکت و همفکری وارد شویم و اهمیت این سرمایه اجتماعی را درک نکردیم. وابستگی به نفت و درآمدهای نفتی منجر به بیگانه شدن با واقعیات اقتصادی و اجتماعی شده است. نفت و درآمدهای حاصل از آن برای ما در زندگی رفاه نسبی فراهم کرده

است که در عمل هیچ زحمتی برای آن نکشیده‌ایم و به عبارتی مشارکتی در آن نداشته‌ایم تا یاد بگیریم با مشارکت است که می‌توان ثروت خلق کرد. زمانی که از تولید و حمایت از تولید می‌گوییم، تنها ارزش‌های مادی آن مدنظر نیست. یکی از اثرات مهم تولید و جامعه تولید محور این است که مشارکت معنا و مفهوم پیدا کند. تا زمانی که یک عده از افراد سازمان با هم مشارکت نداشته باشند، تولیدی هم اتفاق نمی‌افتد و خلاقیت و نوآوری ارزشمند بروز نخواهد کرد.

با توجه به خارج شدن آمریکا از برجام و آغاز دور دوم تحریم‌ها، اتاق تهران چگونه می‌تواند در جهت بهبود اقتصاد بخش حمل و نقل ریلی در کنار آن باشد، آیا مذاکراتی با طرف‌های خارجی در خصوص کاهش فشارهای وارده انجام داده است؟

ما به عنوان بخش خصوصی از اجتماع بخش خصوصی و تراوش تفکرات و راهکارهایی که به عنوان پارلمان بخش خصوصی به دولت ارائه می‌دهیم از طریق شورای گفتگو نظریات بخش خصوصی را انتقال می‌دهیم. طبیعتاً ما قانون‌گذار نیستیم اما مشاور ۳ قوه هستیم به همین علت به سمت و سوی حرکت می‌کنیم که بتوانیم کمترین میزان زیان را در شرایط تحریم برای اقتصاد بخش خصوصی و دولتی داشته باشیم. می‌دانیم که اقتصاد، بخش خصوصی و دولتی نمی‌شناسد آن چیزی که برآیند و برآوردش در جامعه می‌تواند اثرگذار باشد.

در رابطه با مشکلات خصوصی سازی، اتاق تهران در اجرای درست آن در مورد شرکت‌های خصوصی چه میزان نقش داشته است؟ آیا اتاق به درستی در حوزه حفاظت از حقوق بخش خصوصی وظیفه خود را انجام داده است؟

اتاق همیشه مطالبه گر بوده

زیرا صدای بخش خصوصی است و همیشه نقد موارد را داشته است، ما صدای بخش خصوصی هستیم. ما به عنوان معترض هیچگاه وارد عمل نمی‌شویم بلکه نقد کننده‌ای هستیم که راه کارها را در کنار آن ارائه می‌دهیم. باید بگوییم اصل ۴۴ قانون اساسی، یکی از چالشی‌ترین اصول اقتصادی آن است؛ اصلی که به نظر من، نویسندگان قانون اساسی با اندیشه‌ای بسیار عمیق آن را تنظیم کرده‌اند و در مقابل، مجریان آن، در کمتر مواردی بیراهه را رها کرده و در راه صحیح گام برداشته‌اند؛ از دیگر روی، به نظر من مجریان نبوده‌اند که بیراهه را برگزیدند، بلکه زاد و بافت خاص اقتصاد سیاسی اجتماعی ایران عنان کار را از دست مجریان ربوده و اجرای قانون را ناگزیر از بیراهه روی کرده است. پیش از بررسی برخی زمینه‌های انحراف از اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی در ابتدا به متن خوانی این اصل می‌پردازیم و اندیشه متعالی نویسندگان قانون اساسی را از منظر خود شرح می‌دهم و پس از آن، گوشه‌هایی از گذشته موضوع در ایران را بازخوانی می‌کنم. در فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل چهل و چهارم آمده است: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی



که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند. نویسندگان قانون اساسی، در این اصل، سه نوع فعالیت اقتصادی در ایران را به رسمیت شناخته اند. در واقع می توان گفت بخش دولتی اقتصاد از منظر قانون گذار شامل آن بخش از اقتصاد است که نمی توان یا نباید در اختیار هرگونه شخص حقیقی یا حقوقی غیر از دولت رسمی کشور باشد، در این بخش اقتصاد آنچه از خزانه عمومی کشور برای توسعه تهیه شده است، یا نقش استراتژیک اقتصادی دارد یا اعتبار اقتصادی کشور را تقویت و تضعیف می کند یا آنچه با تامین کالاهای اساسی زندگی مردم، علی الخصوص در شرایط فورس ماژور ارتباط پیدا می کند، عقلا نباید متولی ای غیر از دولت رسمی و وزارت مربوطه داشته باشد؛ چه اینکه دولت باید بتواند در بخش هایی، فرآیند برون سپاری یا دعوت از بخش خصوصی را تحت نظارت ویژه دولتی در دستور کار داشته باشد. بنابراین و به نظر من، دولت هرگز نباید به فکر خصوصی سازی یکپارچه در این بخش ها باشد؛ خصوصی سازی یکپارچه در این بخش ها ضمن تضعیف بنیه اقتصادی دولت، ابزار کافی را برای سودجویی در شرایط فورس ماژور در اختیار اشخاصی قرار می دهد که دغدغه هایی غیر از رفاه عمومی مردم نیز دارند. همانطور که مشخص است منظور قانون گذار این نیست که دولت موظف است تمام ظرفیت بازار را در آنچه در چارچوب اقتصاد دولتی قرار گرفته، شخصا و منفردا بر دوش بکشد. به نظر من قانون گذار دست دولت را برای سیاست گذاری و دعوت از بخش خصوصی داخلی و خارجی برای نقش آفرینی در بخش

هایی از همان حوزه اقتصاد دولتی نیز نبسته است، اما پرواضح است که چهار شرط باید رعایت شود :

شرط اول : سیاست گذاری کلی در این حوزه، تعیین نرخ و شرایط خدمت رسانی، از اختیارات دولت و وزارت مربوطه باشد.

شرط دوم : آنچه از محل خزانه عمومی کشور تهیه شده و نوعا در چارچوب اقتصاد دولتی قرار می گیرد، نباید قابل انتقال به بخش خصوصی باشد.

شرط سوم: مجموعه های دولتی که رقاباتی از بخش خصوصی دارند، به هیچ عنوان نباید تضعیف شوند؛ چرا که هرگونه ضعف در عملکرد آنان، رقبا را در میدان عمل و به ویژه در شرایط فورس ماژور جسور می نماید.

شرط چهارم : آن قسم از بخش خصوصی که طبق شروط سه گانه فوق به جهت کاهش فشار عملیاتی دولت مجوز فعالیت دریافت می کنند، نباید به ثروت های ملی و عمومی مانند چاه های نفت و گاز، معادن طلا، دریا ها، جنگل ها، اراضی ملی و امثال آن دسترسی داشته باشند.

پیش از انقلاب اسلامی ایران و از حدود سال های ابتدای قرن حاضر، نشانه هایی از اقتصاد مدرن در ایران ظهور کرد. تاسیس بانک، بیمه، تنظیم قوانین ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی، ایجاد نظام حقوقی مدون املاک و دارایی های منقول و غیر منقول، زیرساخت حقوقی قابل اعتماد برای نقل و انتقال انواع دارایی، ایجاد مکانیزم های منظم برای ثبت احوال افراد، اعزام جوانان برای حرفه آموزی و کسب تخصص به خارج از کشور، راه اندازی دانشگاه های مدرن در ایران و غیره از جمله اقدامات پهلوی اول برای ساماندهی اقتصاد به هم ریخته و بی سروسامان دوران قاجار بود.

در دوران پهلوی دوم، با اصلاحات ارضی و انقلاب سفید و پس از تضعیف قدرت خوانین، روحیه

مشارکت افراد در اقتصاد بالا رفت و متخصصینی که از فرنگ برگشته بودند و تحصیل کرده های دانشگاهی، اشتیاق فراوانی به تولید در داخل کشور داشتند. در دوران پهلوی دوم، سیاست تمرکززدایی از پایتخت نیز در دستور کار قرار داشت، لذا کرج، تبریز، زنجان، رشت، بندرعباس، اراک، قزوین، اصفهان، مشهد، شیراز، یزد، همدان، کرمانشاه، کرمان و خوزستان باتوجه به مزیت های اقتصادی منطقه ای به عنوان قطب های صنعتی اولیه انتخاب شدند و صنایع سنگین، به تناسب بنیان های اقتصادی منطقه ای در این قطب ها تاسیس شد.

در اکثریت قریب به اتفاق این صنایع، دولت تنها مجوز تاسیس را صادر کرده بود و منابع مالی لازم را در اختیار بخش خصوصی قرار داده بود. جالب این است که تا زمان سقوط حکومت پهلوی دوم، حدود ۵۵۰۰۰ مجموعه تولیدی یا تبدیلی یا کشت و صنعت، من جمله هیپکو، هفت تپه، لاستیک دنا، فولاد مبارکه، ماشین سازی تبریز، مینو، ایران ناسیونال، پارس گروندینگ، ارج و ... در ایران به وجود آمده بود؛ در همین دوره در کشور آلمان ۸۵۰۰۰ شرکت و کارخانه در همین سائز وجود داشت. به دلیل تملک بسیاری از این صنایع توسط وابستگان دربار، بهاییان، یهودیان حامی اسرائیل و ... در زمان به ثمر نشستن انقلاب اسلامی، کثرت قریب به اتفاق این صنایع به نفع مردم، ملی اعلام شد. پس از ملی شدن صنعت، متاسفانه زنجیره ای از اتفاقات تلخ، که در تاریخ انقلاب های جهان نظایر و مشابهین بسیار دارد اتفاق افتاد؛ زنجیره های شامل تصدی مسئولیت توسط جوانان انقلابی که تجربه مدیریت در صنعت نداشتند، برداشت موجودی حساب در گردش صنایع و انتقال به حساب دولت انتقالی انقلابی، تخلیه انبار محصول و فروش زیر قیمت در بازار به جهت مبارزه با فقر عمومی مردم و ...

در نهایت بخش عظیمی از صنایع نه محصولی برای فروش داشتند و نه موجودی حسابی برای خرید مواد اولیه، لذا لاجرم پس از خالی شدن انبار مواد اولیه و عدم پرداخت به موقع دستمزد پرسنل اداری و خط تولید، تعطیلی این صنایع اتفاق افتاد. با آغاز جنگ تحمیلی و شروع جنگ اقتصادی ابر قدرت ها با ایران، تهیه مواد اولیه و قطعات ماشین آلات روز به روز سخت تر شد و تعداد بیشتری از صنایع به تعطیلی کشیده شدند. با روی کار آمدن دولت سازندگی، بخشی از این صنایع مجددا احیا شدند و در دوران دولت اصلاحات صنایع دیگری نیز شروع به کار کردند. در سال ۱۳۸۰ سازمان خصوصی سازی تاسیس و در سال ۱۳۸۴ سیاست های کلی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد. در ابتدای فعالیت سازمان خصوصی سازی اتفاقات تلخی رخ داد که در این مصاحبه نمی گنجد.

از وظائف اتاق تهران تعالی بخشیدن به بخش خصوصی و مشورت و پیشنهاد طرح های کارآمد در خصوص توسعه و افزایش درآمد این بخش به سه قوه است، آیا این امر به درستی صورت می گیرد؟ آیا کاستی هایی از سوی اتاق ایران در این خصوص وجود دارد؟

خیر، من کاستی در کار اتاق نمی بینم بلکه اتفاق را چابک و کارآرا می بینم به همین علت چرا باید تغییراتی ایجاد شود. ما همیشه بدنال نیروی فکری جوان هستیم و منظور از نیروی فکری جوان آن نیست که از نظر سن جوان باشد، نیرویی جوان است که از نظر ذهنی تفاوت داشته باشد و بتواند تفکرهای جدیدی را ارائه دهد، به همین علت از افرادی دعوت می شود که تجربیات بسیاری دارند و سال های سال زحمت کشیده اند، اما تضارب آراء همیشه می تواند در نتیجه گیری یک مسئله اثرگذار باشد.